

چون عمل کنیم قبضه الی داخل در هر کرا اول شود و او حرف ع دارد و که در  
 تمام حرفی دارد پس این حروف باشند نزعی ترکیب کدوم عزیز شد  
 اه از ان بیست و پنج می و در آنزه درگاه خدای که این شیخ بنا اهل نماید و از  
 اهل در پنج در پنج در چهارم با در چهارم با در یکس که سر این علم فانی کند که  
 روز قیامت بخانی درگاه ربوبیت باشد والله الموفق

الف ب ص ج ق در ه و ت ز ح خ

ط ظ ی یض ک ط ل غ ع م ن س

پادشاه و اینی تا اعمی برادست مثل خاندنم حال دشمنان و چهار با تا نیز که بنویست  
 ز یک کباب غیبی خارج نفع الی داخل را بود و بجایشی روح فرخ بود و لیست  
 بر تفریح چهار با تا به کاد دشمنان و الله اعلم فصل بیاید دانست که اشکال که اکابر  
 حرف کمر باشند اما در خانه خود واقع شود چنان باشد حرف در سنن ابوح در خانه  
 خود واقع شود حرف خانه دویم او را که بر اندا که عشرت بود احاد سازند و اگر میثاق  
 بود عشرت کیونکه مثل انکه برای سایل بر این بنیتم این شکل را فرخ در سنن خود  
 از ابوح در باره دم و درین خانه فرخ را حرفش رسد و حرف دوم شوت یا  
 شود و چهار صد بعشر آوریم عم شد و عمل شد و مکر کدوم دوم شد و  
 بر این منوال باعتبار انکه خارج از میزان خانه هشتم رسید و تکویر در هر کرا  
 ان شکل بنیست و دایره کدوم در جین شود و بعد از ان در ده  
 فرخ کدوم در سنن ابوح در سنن خود بجوب انکو نکر رفت و حرف امدم و  
 عقل که در سر و در حرف میوه و باعتبار انکه عقل کل که در تاویل بر هست  
 مسرود بود انکس شد حرف دارد و جوه عمل در ناک و اب اقتاد و نطق  
 خاک میزان اذات عقل بود که حرف بود پس این حروف بیوه امدم م  
 ح ترکیب کدوم محمد شد جوه از سایل سوال کدوم چنانه بود دیگر از برای  
 سایل دیگر مثل بنیتم این  $\text{حرف} \text{ع} \text{حرف} \text{و} \text{حرف} \text{دوم} \text{ع}$  اندرین حرف جوه تا عمل رود  
 باعتبار عقل کل را بنیتم  $\text{حرف} \text{ع} \text{حرف} \text{و} \text{حرف} \text{دوم} \text{ع}$  فرخ شود و عقل کل صاحب  
 حرف پس و حرف دوم ع  $\text{حرف} \text{ع} \text{حرف} \text{و} \text{حرف} \text{دوم} \text{ع}$  بود و اجاد عین دو حرف  
 نزع باشند و مستحق نفسی کل  $\text{حرف} \text{ع} \text{حرف} \text{و} \text{حرف} \text{دوم} \text{ع}$  جوه سبط کنیم چینی شود و

چیه